



27
05
18

شنبه
۶ خرداد ۱۳۹۷
۱۴ رمضان ۱۴۲۹
شماره ۲۵۵۷

روزنامه

با هم بشنویم

ارژنگ حاتمى

واسه جدایی بالاخره عزیز دلم

وقت هست

هر چند محسن ابراهیمزاده خودش دهه شصتی محسوب می‌شود، اما اکثر طرفدارانش را دهه هفتادی‌ها و چه بسا دهه هشتادی‌ها تشکیل می‌دهند. خواننده‌ای با سبکی خاص که در سال‌های اخیر با انتشار آهنگ‌هایش در فضای مجازی محبوبیت خوبی به دست آورده است و البته معروفیتش وقتی بیشتر شد که در سال ۹۶ برای برنامه مهتاب شبکه تهران ترانه‌ای خواند. ابراهیمزاده سبک خاص خود را دارد، حتی در برخی ترانه‌ها به خوبی کلمات را ادا نمی‌کند که همین به شیرینی کارش افزوده است. اکثر ترانه‌هایی که محسن برای اجرا انتخاب می‌کند، محتوایی صمیمی و خودمانی دارد. در قسمتی از ترانه «شش‌بگردی» او می‌شنویم:



«هنوز عشقت هست، نذار برم از دست،
واسه جدایی بالاخره عزیز دلم
وقت هست.» در این بخش از ترانه گویی شاعر می‌داند که بالاخره روزی محبوبش خواهد رفت و تنها در خواستش آن است که کمی بیشتر بماند. از این دست احساسات لطیف کودکانه در آثاری که ابراهیمزاده خواننده است به وفور یافت می‌شود.



حال خوب

مهدی محمدی

وقتی مجروح شد، خوشحال شد؟

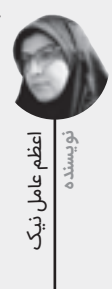
مگر می‌شود یک نفر در یک تصادف حسابی خونی‌مالی شود ولی از تصادفش خوشحال شود. امروز می‌خواهم برایتان داستان کسی را بگویم که بعد از اینکه توی یک تصادف دست و صورتش مجروح شد و دوسه تا از دندان‌هایش نیز شکست، خوشحال‌تر از زمانی بود که هنوز این اتفاق برایش نیفتاده بود. در خبرها آمده است یک مرد چینی داشت توی خیابان قدم می‌زد که ناگهان متوجه شد یک سه‌چرخه موتوری از کنترل خارج شده و ممکن است با یک دختر خردسال برخورد کند. او بلافاصله به سمت این سه‌چرخه دوید و با گرفتن بدنه آن تلاش کرد تا مسیر آن را منحرف کند. او در آخرین لحظه و پیش از برخورد شدید سه‌چرخه با دختر خردسال موفق شد مسیر آن را منحرف کند ولی خودش به گوشه دیگر پیاده‌رو پرتاب شد و از ناحیه صورت و بازو دچار جراحت شد و همچنین سه دندانش شکست. شاید اگر کسی بعد از این همه خونی‌مالی شدن، از او می‌پرسید: حالت چطور است؟ جواب می‌داد: خوب! خیلی خوب، هیچ‌وقت به اندازه الان حالم خوب نبوده است. من جان یک انسان را نجات دادم.

یک دختر سیزده‌ساله بود که در زمان زلزله سرپل ذهاب برای نجات خواهر سه‌ساله‌اش وارد خانه‌ای نیمه‌خرابه شد، ولی خودش زیر آوار گیر کرد و از ناحیه ستون فقرات دچار مشکل شد، آنقدر که توانایی راه رفتن را از دست داد. همه ناامید بودند ولی حالا شش ماه بعد از زلزله خبر رسید که این دختر فداکار، دوباره توانسته است روی پای خودش بایستد. امیدواریم همان‌طور که این دختر توانست سر پا شود، ساختمان‌های این شهر هم سر پا شوند. امیدواریم زلزله بعدی توی دل‌های سنگی اتفاق بیفتد و آن‌ها را خراب کند. این طوری زلزله‌ها هر چقدر ریشترشان بیشتر باشد، قشنگ‌ترند. آن‌وقت دنیا جای قشنگ‌تری برای زندگی خواهد بود.

دست در دست هم

کم پیش می‌آید این طور بشود، این طور که دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها نظرشان به بازی مشابه باشد و دست توی دست هم بچرخند و بخوانند. معمولاً دخترها میلشان به چیزی است و پسرها صد و هشتاد درجه مخالفش را می‌خواهند.

مثلاً حوری نامی تکانی به سوی بافتن با می‌دهد و می‌گوید: «بیا بیسد دختره گریه می‌کنه بازی کنیم» بعد مجتبی‌نامی از توی پسرها شکلک در می‌آورد که «این بازی‌ها واسه دختر گریه‌ای هاست» و پشت سرش جمع پسرها کر می‌زنند زیر خنده! یا یکی از پسرهای لاغر و استخوانی همین‌طور که زبان می‌زند به دندان لکش و شلوارش را بالا می‌کشد، می‌گوید: «آقا دزد و پلیس، دزد و پلیس!» آن وقت یکی از دخترهای ترگل و ورگل عروسکی پشت چشمی نازک می‌کند که «من نیستم، پلیس‌ها دست دزدها رو محکم می‌کشند، آدم دردت می‌آد!» بعد دوباره پسرها هر هر می‌زنند زیر خنده! برای همین است که می‌گویم کم پیش می‌آید این طور بشود، این طور که دخترها و پسرها سر یک چیز هم نظر باشند و بدون دعوا، خوش‌خوشان دست در دست هم از خنده ریسسه برونند چون آن وقت‌هایی هم که به توافق می‌رسند و می‌گویند: «قبول



عطفه عادل بنی‌سوده

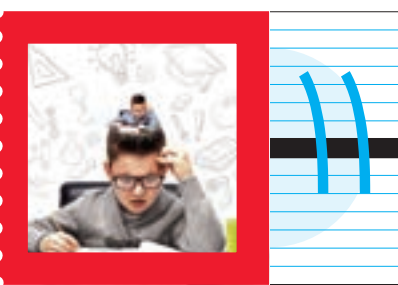


برشی از بازی کودکان عشایر کوچ‌نشین همدان که لیریز از زیبایی است. تصاویر زندگی کوچ‌نشینان گاهی بیشتر از آن‌که به حقیقت شبیه باشد، مثل رؤیایی دور و دست‌نیافتنی است.

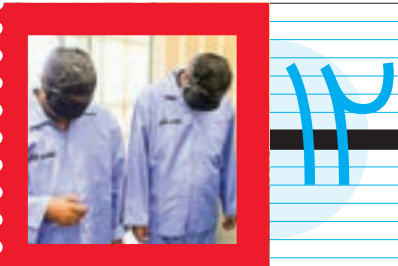
عکس: عادل یاحدا



۱۰



۱۱



۱۲

کله ونگ

مُشْتَبَا نخعی راد

دلنگون رفتن رونالدینیو



RONALDINHO

می‌پایبده‌اند و جر می‌زده‌اند. تازه این حرف روزهایی است که هوا خوب آفتابی است، مثلاً یک روز قبل تعطیلی و کسی درس و مشق ننوشته هم ندارد و همگی سرحال و سلامت هستند و فین هیچ کدامشان هم آویزان نیست و گر نه اگر مشق باشد یا هوا ابر باشد که همه این حرف‌ها تعطیل است. برای همین می‌گویم خیلی خیلی کم پیش می‌آید که چنین روزی باشد، آفتاب جوری بتابد که نه خیلی گرم باشد و نه سرد! یک باد خوبی هم بوزد، جوری که موهای دخترها را تکان بدهد و خنده‌هایشان را قشنگ‌تر کند. بعد همه با هم به «عمو زنجیرباف» رأی بدهند و چشم‌گذاشتن و منتظر بودن، می‌ترسیده‌اند و به همین خاطر زیر چشمی یارشان را

کارتون



۴۰ درصد مالکان مسکن مهر متقاضی فروش واحدهای خود هستند

سودوکو

Sudoku puzzle grid with numbers and empty cells.

جدول ۲۴۱۱

Table with 10 columns and 10 rows containing various words and numbers.

Word search puzzle grid with a list of words to find.